

هستی‌شناسی از منطق وحی

ترجمه کتاب الشموس الطالعة

مؤلف علامه درود آبادی

شرح زیارت جامعہ کبیرہ

ترجمہ و شرح

از مصطفیٰ نامور

سرشناسنامه	دروآبادی همدانی، حسین بن محمد تقی، ۱۲۸۰-۱۳۴۳ ق
عنوان قراردادی	زیارتنامه جامعه کبیره، فارسی-عربی، شرح
عنوان و نام پدید آور	هستی شناسی از منطق وحی، ترجمه کتاب الشموس الطالعه، شرح زیارت جامعه کبیره/تألیف دروآبادی، ترجمه و شرح مصطفی نامور
مشخصات نشر	تهران: آذینه گل مهر، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۱۰۴۲ ص
شابک	۸۰-۶-۸۶۰۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	زیارتنامه جامعه کبیره - نقد و تفسیر
شناسه افزوده	نامور، مصطفی، ۱۳۲۸ - مترجم
رده بند، کنگره	BP۲۷۱/۲۰۴۲۲/د۴۱۳۹۴
رده بندی دیویی	۷۷۷/۲۹۷
شماره کتاب شناسی	۱۴۰۱۴۰۰۵

هستی شناسی از منطق وحی



ترجمه و شرح: مصطفی نامور

ویراستار: شیرین جعفری

ناشر: آذینه گل مهر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰

چاپ و صحافی: مانی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۰۹-۸۰-۶

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

نشانی: خیابان انقلاب مقابل دانشگاه تهران پلاک ۱۲۰۲

تلفن: ۰۹۱۲۳۳۶۷۰۹۴

۲۱	 مقدمه
۲۱	 شرح حال مختصری از مؤلف علامه قدس سره
۲۳	 زیست‌نامه مؤلف علامه
۲۹	 مقدمه مؤلف در حمد و ستایش حضرت حق
۳۰	 محبت اهل بیت یا ولایت اهل بیت بالاترین ذخیره آخرت است
۳۱	 دوستداران اهل بیت علیهم السلام از متقین و اهل جنت‌اند
۳۳	 ابتهال و توسل مؤلف علامه به حضرت حق جل و علا
۳۵	 امداد الهی از دست گره گشای امام رضا علیه السلام که دستگیر مؤلف گردید
۳۷	 مقدمه در این کتاب ط‌ظرف معانی واقعی می‌باشند
۳۸	 حقیقت تأویل چیست؟ در تأویل چه کسانی است؟
۴۱	 آداب زیارت
۴۲	 زیارت و حقیقت معنای آن و مقدمه آن (طهارت و غسل زیارت)
۴۳	 فلسفه تکبیرهای مقدم بر زیارت
۴۵	 حکمت ایستادن بعد از سی تکبیر
۴۷	 مقدمه و پیش گفتار اول؛ مترجم شارح
۵۳	 مقدمه و پیش گفتار دوم مترجم شارح
۵۶	 مرتبه انسان کامل
۵۷	 تعریف انسان کامل به وجهی دیگر
۶۰	 تعریفی دیگر از انسان کامل؛ و حضرات خمس در منظر عرفان
۶۲	 در خلافت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم
۶۵	 ختام بحث هم شایسته ذکر نظر امام راحل خمینی رضوان الله تعالی علیه در تعریف انسان کامل است
۶۵	 خطبه توحیدیه حضرت امیر علیه السلام
۷۴	 قوله (ع)؛ فرمودند: «یا اهل بیت النبوة»
۷۴	 حقیقت نبوت
۷۵	 عالم موت و عالم حیرت چیست؟ آیا مراد از این در عالم یک حقیقت و یک چیز است

- همان گونه که مولای ما امام ابو محمد عسکری علیه السلام بر اساس آنچه ابن بابویه از آن حضرت روایت نموده است هنگامی که از آن حضرت از مرگ سؤال شد که مرگ چیست فرمودند: «هو التصدیق بما لایکون». ۷۵
- مقام و مرتبه ذکر و جایگاه آن در مرتبت آفرینش ۷۷
- مراد از سدرۃ المنتهی چیست؟ سدره به چه معنا است؟ ۸۰
- در مرتبه و مقام اهل بیت علیهم السلام و معنای اهل الیبت ۸۴
- نقل اقوال و روایاتی که معرف اهلیت اهل بیت است از امامیه و غیر آن برای شناخت مصداقی اهل البیت ۸۶
- اقوال اهل سنت در حق اهل بیت و روایات وارده از علماء اهل سنت در حق آیه تطهیر ۸۹
- خلاصه و نتیجہ جمالی از روایاتی که نمونه‌ای از آن‌ها تاکنون بیان گردید ۱۰۲
- اهل بیت پیامبر (ص) منجزاً چه کسانی بوده‌اند؟ ۱۰۲
- شرط امامت نصب خدای متعال به دست رسول او (ص) می‌باشد و بعد از امام اول که منصوب خدا و به دست پیامبر (ص) بود نص امام قبل از او نبود لازم دارد و این شرط در میان همه امامان اهل بیت علیهم السلام قابل اسقاط نمی‌باشد ۱۰۶
- بعد از حقیقت نبوت مراتب نبوت لازمه شناخت اقدام نبوت و مقامات و مراتب آنان است ۱۰۶
- اشاره‌ای دیگر به مراتب حقیقت آل محمد علیهم صلوات الله ۱۰۷
- مطلب کلیدی: ذات و صفات حق تعالی قابل اشاره نمی‌باشند - چون به وحدت ذات برمی‌گردند زیرا صفات خدای تعالی مانند: وجود، علم قدرت، حیا، سمع و... عین ذاتند ۱۰۸
- مقام و مرتبه حقیقت نبوت در قبال حق تعالی چیست و شئون و اسامی آن - مرتب در هر یک از این عوالم؟ ۱۱۸
- میزان اثر و جایگاه مرتبه ضروری طینت در سعادت و شقاوت انسان - عوالم و جایگاه طینت پیامبر و اهل بیت علیهم صلوات الله و فرق خلق آنان با دیگران و بحثی مستوفی از طینت و حقیقت آن ۱۲۳
- بحثی در حقیقت و جایگاه عقل و خلقت آن و نقل روایاتی که حقیقت محمدیه را همان عقل گفته‌اند ۱۲۵
- مسائلی در باب عقل ۱۲۶
- قوله (ع): فرمودند: «و موضع الرسالة» ۱۳۱
- مقامات سه گانه رسالت در عالم شهادت ۱۳۲
- ارکان مراتب سه گانه رسالت در عالم غیب و شهادت ۱۳۳
- از امهات بحث علم است آن هم راجع به علم حق و صفات و ویژگی‌های آن و انواع آن و فرق آن با علم بشری ۱۳۴
- بحث اسماء الهی و دخالت آن‌ها در عوالم و معانی ماههای سال یا بحث کاربردی اسماء در عوالم وجود ۱۳۶

- عالم اسماء و اسم ناشناختنی و اشتقاق اسماء الهی در عوالم وجودی ۱۴۰
- در نبوت و حقیقت آن و اقسام آن و مراتب آن در عوالم ۱۴۵
- موجودات متقوم به حقیقت نبوت و ولایت‌اند و حقیقت نبوت و ولایت در موجودات حضوری قیومیه دارند
به عبارت دیگر حقیقت نبوت، نبوت و ولایت احاطه قیومیه بر همه موجودات دارند ۱۴۶
- قوله (ع): فرمودند: «و مختلف الملانکه» ۱۴۷
- قوله (ع): فرمودند: «و مهبط الوحی» ۱۵۴
- «وحی چیست و چگونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی می‌شود؟ واسطه امر حس است یا قوه و بالآخره
ماهیت وحی کدام است؟ و خواص نفس نبی؟؟» ۱۵۴
- مبحث اول: فی بین رسول و امام و نبی و محدث و متعلقات مرتبط با این بحث ۱۵۹
- بحثی دیگر در باب معرفت مراتب نبی رسول و محدث و امتیازات و تفاوت‌های آنان با یکدیگر و ضرورت
شناخت این معارف در جایگاه این کلیدی خود ۱۶۲
- مدارج و مراتب سالکین «لی الله فی است» ۱۶۵
- وحی خاص به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم اختصاصی آن حضرت است و انبیاء دیگر را در آن نصیبی
نیست ۱۷۰
- قوله (ع): فرمودند: «و معدن الرحمة» ۱۷۲
- رحمت در میان انسان‌ها و فرق رحمت رحمانی با دیگر رحمت‌ها ۱۷۲
- میشاق‌هایی که از انبیاء الهی گرفته شد ۲۱۴
- قوله (ع): فرمودند: «و منتهی الحلم» ۲۱۶
- تعریف عقل و اقسام آن ۲۱۶
- قوله (ع): فرمودند: «و اصول الکرم» ۲۱۹
- [در معنای کرامت و پیمان و میثاق خدا با انبیاء بر ربوبیت خود و با مردمان بر سر پیمان انبیاء و اوصیاء او
علیهم السلام] ۲۱۹
- عالم میثاق چیست؟ ۲۲۰
- وقایع عالم میثاق چه بوده است؟ ۲۲۰
- اصل پیمان و موضوع میثاق چه بود؟ ۲۲۱
- قوله (ع): فرمودند: «و قاده الامم» ۲۲۳

- مراتب غیب و شهود محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله ۲۲۴
- قوله (ع): فرمودند: «و اولیاء النعم» ۲۳۹
- قوله (ع): فرمودند: «و عناصر الابرار» ۲۴۰
- «ابرار دو مصداق در عالم آفرینش دارد، مصداق ناقص آن ملائکه و مصداق کامل آن انسان کامل است.» ۲۴۰
- طینت چیست؟ و آیا روایات طینت با اختیار انسان در عالم تشریع منافات ندارد؟ ۲۴۲
- بحثی در روایات مربوط به طینت و اقسام آن که بر دو دسته‌اند ۲۴۳
- آیا میانه روایات طینت با اصل اختیار تعارضی هست؟ ۲۴۷
- عوالم وجود انسان ۲۴۹
- بحثی در معانی طینت ۲۵۱
- مراد از عالم ذر یا عرش چیست؟ ۲۵۲
- در حقیقت طینت محمد و آل محمد ۲۵۴
- و سرشت آن‌ها و فرق آن با طینت دیگر نبیاء ۲۵۴
- فرق اختیار در عصمت در محمد و آل محمد علیه السلام با مخلوقات دیگر ۲۵۵
- قوله (علیه السلام و دعائم الاخبار) ۲۶۰
- معنای عبودیت و جوهر و حقیقت آن کدام است؟ ۲۶۰
- معنای دقیق‌تر از حقیقت عبودیت از زبان امام هادی علیه السلام ۲۶۲
- درجات بندگی بندگان و سیر آنان در مراتب عبودیت و عوالم آنان ۲۶۸
- درجات ولایت خدا و رسول او ائمه علیهم السلام از جهت مقام و مرتبت ۲۷۳
- تقسیم‌بندی مراتب ولایت بر مبنای مراتب سه‌گانه عبودیت ۲۷۸
- مراتب ولایت بر اساس مراتب و درجات عبودیت ۲۷۸
- مالکیت دنیا از آن امام علیه السلام به جانشینی از پیغمبر (ص) و پرداخت خمس از همین جا واجب گردیده است ۲۸۴
- قول امام علیه السلام: «و ساسة العباد» ۲۸۷
- قوله (ع): فرمودند: «و ارکان البلاد» ۲۸۹
- «معنای ولایت ائمه علیهم السلام و ارتباط آن با امانت در چه چیزی است؟» ۲۸۹
- عرضه امانت به معنای حقیقی متعلق به چه کسانی بوده است؟ ۲۹۰
- امانت خدا چه بوده است؟ ۲۹۰

- ۲۹۷..... قوله (ع): فرمودند: «و ابواب الايمان».....
- ۲۹۷..... (حقیقت ایمان و درجات آن).....
- ۳۰۰..... هر عضوی تکلیفی عبودی دارد و نیز گناهی خاص خود، پس ایمان مخصوص هر عضو چه می باشد؟.....
- ۳۰۴..... بالاترین درجه معرفت در خداشناسی که ویژه مخلصین و مقربین می باشد کدام است؟.....
- ۳۰۴..... یائین ترین درجه معرفت خدا «ادنی المعرفة» و معرفت حقیقی حضرت حق جل و علا.....
- ۳۱۱..... شناخت خدا با شناساندن او سبحانه و تعالی است و راهی به معرفت ذات و کنه ذات او جل و علی نیست.....
- ۳۱۴..... معرفتی بالنورانیة معرفة الله.....
- ۳۱۴..... « معرفت من به نورانیت همان معرفت خدا است ».....
- ۳۱۵..... قوله (ع): فرمودند: «و امناء الرحمن».....
- ۳۱۷..... قوله (ع): فرمودند: «و سلاله النیین».....
- ۳۱۷..... منظور از سلاله چیست؟.....
- ۳۱۸..... فرموده: «و صفوة المرسلین».....
- ۳۱۹..... بحثی در حبیب و محبوب و خاتمت ذات.....
- ۳۱۹..... «و علت بعثت و برگزیدن انوار محمد و آل او بهم اسلام قبل از آفرینش مخلوقات».....
- ۳۲۰..... فرمود: «و عتره خیره رب العالمین».....
- ۳۲۱..... حقیقت حب و علت نامگذاری آن حضرت به حبیب خدا چیست؟.....
- ۳۲۴..... تعبیری دیگر از حبیب و محبوب و ارتباط آن با ختم نبوت.....
- ۳۲۵..... چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و سلم خاتم انبیاء گردید؟ چه سرّی خانیست او را تمام کرد؟.....
- ۳۲۵..... اقسام تجلی و رابطه آن با حب و حبیب و محبوب.....
- ۳۳۰..... علت اصطفا و برگزیدن پیامبر خاتم و اهل بیتش علیهم السلام در چیست؟.....
- ۳۳۶..... آیا آدم علیه السلام اولین بشر روی زمین بود؟ یا قبل از او هم انسان هایی زندگی می کردند؟.....
- ۳۳۸..... عوالم آفرینش نهایت پذیر است یا نامتناهی و اگر غیر متناهی است چرا؟.....
- ۳۳۹..... قوله (ع): فرمودند: «و رحمة الله و برکاته».....
- ۳۳۹..... تفویض به پیامبر و آل او علیهم السلام بسیار مقنع و موجز در این فقره مندرج و مندمج شده است.....
- ۳۳۹..... معنای صحیح تفویض به پیامبر و آل آن حضرت کدام است و امتیاز آن با عقیده معتزله در این باب.....
- ۳۴۱..... اقسام هدایت و مراتب آن.....

- ۳۴۱ «هدایت»
- ۳۴۳ برخی از جهات جاودانگی قرآن مجید و ماندگاری و زنده بودن آن
- ۳۴۴ «ومصاییح الدجی»
- ۳۴۴ تفسیری درخشان از آیات نور در سوره مبارکه نور
- ۳۵۱ قوله (ع): فرمودند: «و اعلام التقی»
- ۳۵۲ «معانی تقوی»
- ۳۵۲ مقدمه‌ای بلند و مستوفی در شناخت حقیقت تقوی
- ۳۵۷ عقل و حس و هیان و لشکر آنان
- ۳۶۱ باب دعاء ضرورت آن هنگام خوابیدن
- ۳۶۷ حقیقت ورع چیست؟
- ۳۶۹ قوله (ع): فرمودند: «و دوماهی»
- ۳۷۱ آیا عقل و فرقان و قرآن از هم متمایز یا یک حقیقت‌اند؟
- ۳۷۳ قوله (ع): فرمودند: «اولی الحجی»
- ۳۷۴ قوله (ع): فرمودند: «و کھف الوری»
- ۳۷۵ قوله (ع): فرمودند: «و ورثة الانبیاء»
- ۳۷۸ قوله (ع): فرمودند: «و المنل الاعلی»
- ۳۷۸ «مثل اعلی نسبت به خدا که هیچ سختی در وجود با مخلوقاتش ندارد چه وجهی دارد؟»
- ۳۸۲ قوله (ع): فرمودند: «والدعوة الحسنی»
- دعوت حسنی ابراهیم خلیل علیه‌السلام برای ائمه اهل بیت علیهم‌السلام مستجاب است و وجود حضرات اهل بیت غیر از اجابت جزء اخیر علت تامه آفرینش آدم علیه‌السلام بود؟
- ۳۸۲ ۳۸۷
- اشاره به عالم ذر و عهد «الست در معارف الهی»
- ۳۸۷ قوله (ع): فرمودند: «و حجج الله علی اهل الدنيا والآخرة والاولی»
- ۳۹۰ و اما این که ائمه اهل بیت علیهم‌السلام حجت‌های الهی در آخرتند
- ۳۹۲ معنای حجت بودن ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به چه دلیل است؟
- ۳۹۳ قوله (ع): فرمودند: «السلام علی محال معرفة الله»
- آیا معرفت قائم به جوهری است مانند علم که به عالم قائم است؟ حقیقت معرفت چیست که محتاج به محال با

- جایگاه‌های معرفتی است؟ ۳۹۳
- قوله (ع): فرمودند: «و مساکن برکة الله» ۳۹۵
- فضائل و مناقب و کمالات اهل بیت از شمارش بیرون است ۳۹۵
- قوله (ع): فرمودند: «و معادن حکمة الله» ۳۹۷
- حکمت چیست و معادن حکمت کدام است - حقیقت شکر ۳۹۷
- قوله (ع): فرمودند: «و حفظة سر الله» ۴۰۲
- معنای حقیقت سر چیست؟ و مقامات و مراتب و شئون سر کدام است؟؟ ۴۰۲
- معنای اول حفظة سر الله ۴۰۳
- قوله (ع): فرمودند: «و حملة کتاب الله» ۴۰۹
- کتاب چیست و ملین کتاب چه کسانی بوده‌اند؟ حمل کتاب معنای حقیقی دارد یا کنائی و استعاری؟؟ .. ۴۰۹
- اسامی اوصیاء پیامبران الهی ۴۱۱
- بحث در این‌که در مطلق «د ب» خود در روایات، همه اسماء اعظم الهی موجود است ۴۱۲
- مقصود از امام مبین در قرآن و روایات چه کسانی می‌باشند؟ ۴۱۷
- قوله (ع): فرمودند: «و اوصیاء نبی الله صلی علی وآله و سلم» ۴۱۹
- اوصیاء پیامبر خاتم، تعداد و مختصات آن‌ها علی‌السلام از طریقه خدا تعیین شده‌اند ۴۱۹
- لوح خضراء چه بوده است محتوی و نامبردگان در آن و جهت آن برای چه کسانی و در چه چیز است؟ و از ناحیه ۴۲۴
- چه کسی اعطاء شده است؟ ۴۲۴
- امامان هدایت و اوصیاء رسول خدا همگی از علی و فاطمه علیهما السلام از کس و بر پایه پیامبر بشمار می‌روند ۴۳۰
- قوله (ع): فرمودند: «و ذریة رسول الله (ص) و رحمة الله و برکاته» ۴۳۰
- قوله (ع): فرمودند: «السلام علی الدعاة الی الله» ۴۳۲
- قوله (ع): فرمودند: «وآلاد لآء علی مرضات الله» ۴۳۳
- قوله (ع): فرمودند: «والمستقرین فی امر الله» ۴۳۸
- معنای استقرار در امر خدا چیست؟ ۴۳۸
- مراتب فقر و فنا در عرفان اسلامی اهل بیت علیهم السلام چه معنا دارد؟ ۴۳۸
- اینک معنای فقر و فنا (به اختصار) ۴۳۹
- قوله (ع): فرمودند: «والتامین فی محبة الله» ۴۴۳

- «اکمل و اتم محبت به خدای سبحان در اهل بیت وجود دارد» چه بعد از عالم اهل بیت عالم الهی است .. ۴۴۳
- قوله (ع): فرمودند: «والمخلصین فی توحید الله»..... ۴۴۵
- تنبیه و آگاهی بزرگ: در این که نهایت حرکت استکمالی انسان تا کجا است؟ ۴۴۶
- قوله (ع): فرمودند: «والمظهرین لامر الله و نهیه»..... ۴۴۷
- آیا خدای متعال در آفرینش انسان‌ها غرضی داشته به عبارت دیگر هدف از خلقت چیست؟ ۴۴۷
- قوله (ع): فرمودند: «و عباده المکرمین الذین لایسبقونه بالقول و هم بامرہ یعملون و رحمت الله و برکاته» .. ۴۴۹
- فرق عبادت دگان گرامی خدا و عبادت سایر مردمان در چیست؟ ۴۴۹
- شجره‌ای که آدم علیه السلام از آن نهی شده بود، چه بود؟ ۴۵۱
- نهی تنها نزدیکی را در بر نمی گرفت یا شامل نزدیکی و خوردن هر دو بوده است؟ ۴۵۱
- قوله (ع): فرمودند: «السلا علی الائمة الدعاة»..... ۴۵۲
- قوله (ع): فرمودند: «والقادة الامار»..... ۴۵۲
- مقام خلت و مرتبه آن ۴۵۸
- مراتب چهارگانه ایمان برای ابراهیم خلیل در ارائه اکو آسمان‌ها و زمین ۴۶۰
- قوله (ع): فرمودند: «و السادة الولاة» ۴۶۵
- قوله (ع): فرمودند: «والذادة الحماة» ۴۶۶
- قوله (ع): فرمودند: «و اهل الذکر» ۴۶۷
- قوله (ع): فرمودند: «و اولی الامر» ۴۶۸
- قوله (ع): فرمودند: «و بقية الله» ۴۶۹
- قوله (ع): فرمودند: «و خیرته» ۴۷۱
- مطلق اسماء همه اسماء را در بر می گیرد چه اسماء حسنی و چه اسماء غیر حسنی ۴۷۲
- باب ویژه: در اسماء الهی و این که آیا اسماء الهی تمثیلی است و یا حصری و توقیفی است؟ ۴۷۳
- قوله (ع): فرمودند: «و حزبه» ۴۷۷
- قوله (ع): فرمودند: «و عبیة علمه» ۴۷۸
- قوله (ع): فرمودند: «و حجتہ» ۴۷۸
- قوله (ع): فرمودند: «و صراطه، مقصود از صراط چیست؟» ۴۷۹
- قوله (ع): فرمودند: «و نوره» ۴۸۰

- قوله (ع): فرمودند: «و رحمة الله و بركاته» ۴۸۳
- قوله (ع): فرمودند: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له» ۴۸۳
- قوله (ع): فرمودند: «وحده» ۴۸۵
- فرق بين واحد و احد ۴۸۶
- احد و واحد و وحدانية ۴۸۶
- قوله (ع): فرمودند: «در درجات و مراتب توحيد حق متعال» ۴۸۹
- قوله (ع): فرمودند: «لا اله الا هو العزيز الحكيم» ۴۹۲
- «تقریری در معنای عزیز» ۴۹۲
- قوله (ع): فرمودند: «واشهد ان محمداً عبده المنتخب» ۴۹۵
- قوله (ع): فرمودند: «و رسوله المرتضى» ۴۹۵
- قوله (ع): فرمودند: «ارسله بالهدى و دين الحق» ۴۹۶
- قيام و ظهور حضرت مهدی ر ائنا مامر آن حضرت بر اديان ديگر الهی ۴۹۹
- قوله (ع): فرمودند: «ليظهره على الدن كله و كره المشركون» ۴۹۹
- قوله (ع): فرمودند: «واشهد انكم الائمة الرايون المهديون» ۵۰۰
- قوله (ع): فرمودند: «المعصومون» [مقدمه: شرحی در معصومیت و مقام آن] ۵۰۱
- فطرت و طینت چیست؟ و آیا فرقی در میان آن دو وجود دارد؟ عالم ذر؟ ۵۰۱
- نور اول: در معنای فطرت و عالم ذر و طینت ۵۰۱
- آفرینش ائمه معصومین علیهم السلام و تفاوت خلقت آنان با دیگران ۵۰۶
- ۱- شرح باب حجاب‌ها و این‌که این حجاب‌ها چه بوده و متضمن بر چه حقایقی بوده‌اند؟ ۵۰۷
- ۲- سیر تحولات در خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از آفرینش آدم و عاقل ۵۰۷
- علت وجود اختلاف در رنگ و خصوصیات جسمی انسان‌ها ۵۱۴
- خلق اول همان صادر اول است که آن هم حقیقت نور محمدیه بوده است ۵۱۵
- نور دوم: عصمت و حقیقت آن و مراتب عصمت ۵۱۶
- ارواح انسان‌های عادی و روحی که خاص ائمه علیهم السلام است ۵۱۸
- نور سوم: اعتراف به گناه در معصومین چرا نقل شده و توبه آن‌ها چه وجهی دارد؟ ۵۲۶
- چهارم: «اقسام گناهان و انواع آن» ۵۲۸

- ۵۳۹ قوله (ع): فرمودند: «المکرمون»
- ۵۳۹ «منشأ کرامت ائمه و فرق آن با کرامت دیگر انسان‌ها»
- ۵۴۳ قوله (ع): فرمودند: «المقربون»
- ۵۴۳ قوله (ع): فرمودند: «المتقون الصادقون المصطفون»
- ۵۴۳ تعریف صادقون چیست؟ و چه کسانی صادق‌اند؟
- ۵۴۵ قوله (ع): فرمودند: «المطیعون لله»
- ۵۴۵ (در اطاعت، حقیقت اطاعت)
- ۵۴۵ قوله (ع): فرمودند: «القوامون بامر»
- ۵۴۵ (تفسیر این کلام در: المستدرک فی امره والمظهرین لامره و نهیه آمده است)
- ۵۴۵ وله (ع): فرمودند: «الفائزون بکرامته»
- قوله (ع): فرمودند: «اصطفا» لعمد و ارتضیکم لغبیه و اختارکم لسره و اجتبتکم بقدرته و اعزکم بهداه و خصکم ببرهانه
- ۵۴۶ قوله (ع): فرمودند: «و رضیکم خلفاء فی أرضه»
- ۵۵۳ قوله (ع): فرمودند: «و حججاً علی بریته»
- ۵۵۷ قوله (ع): فرمودند: «و انصاراً لدینه»
- ۵۵۹ قوله (ع): فرمودند: «و حفظة لسره و خزنة لعلمه»
- ۵۶۰ قوله (ع): فرمودند: «و تراجمه لوحیه»
- ۵۶۰ قوله (ع): فرمودند: «و ارکاناً لتوحیده»
- ۵۶۲ قوله (ع): فرمودند: «و شهداء علی خلقه»
- ۵۶۲ قوله (ع): فرمودند: «و اعلاماً لعباده»
- ۵۶۹ قوله (ع): فرمودند: «و مناراً فی بلاده»
- ۵۶۹ قوله (ع): فرمودند: «و ادلاء علی صراطه»
- ۵۷۰ قوله (ع): فرمودند: «عصمکم الله من الزلل»
- ۵۷۱ قوله (ع): فرمودند: «من الزلل»
- ۵۷۴ قوله (ع): فرمودند: «و آمنکم من الفتن»
- ۵۷۴ قوله (ع): فرمودند: «و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً»
- ۵۷۷

- قوله (ع) : فرمودند: « فعظمتكم جلاله » ۵۸۰
- قوله (ع) : فرمودند: « و اكبرتم شأنه » ۵۸۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و مجدّتم كرمه » ۵۸۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و ادمتم ذكره » ۵۸۸
- قوله (ع) : فرمودند: « و وكدتم ميثاقه » ۵۹۰
- قوله (ع) : فرمودند: « و احكمتم عقد طاعته » ۵۹۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و نصحتهم له في السر والعلانية » ۵۹۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و دعوتهم الى سبيله بالحكمة و الموعظة الحسنة » ۵۹۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و بذلتهم انفسكم في مرضاته و صبرتم على ما اصابكم في جنبه الى قوله و صبرتم في ذلك منه الرضا ۶۰۰
- مبنای امر و نهی خدا - چیزی را نواند باشد ۶۰۸
- قوله (ع) : فرمودند: « و بذلتهم انفسكم في مرضاته » ۶۱۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و صبرتم على ما اصابكم في جنبه » ۶۱۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و اقمتم الصلوة ۶۱۵
- قوله (ع) : فرمودند: « و آتيتهم الزكوة » ۶۱۶
- قوله (ع) : فرمودند: « و امرتم بالمعروف و نهيتهم عن المنكر » ۶۱۷
- قوله (ع) : فرمودند: « و جاهدتم في الله جهاده » ۶۱۷
- قوله (ع) : فرمودند: « حتى اعلنتم دعوته » ۶۱۹
- قوله (ع) : فرمودند: « و بينتم فرائضه » ۶۱۹
- قوله (ع) : فرمودند: « و اقمتم حدوده » ۶۲۰
- قوله (ع) : فرمودند: « و سننتم سنته » ۶۲۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و صبرتم في ذلك منه الى الرضا » ۶۲۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و صدقتم من رسله من مضى » ۶۲۴
- قوله (ع) : فرمودند: « فالراغب عنكم مارق » ۶۲۵
- قوله (ع) : فرمودند: « و اللازم لكم لاحق » ۶۲۵
- قوله (ع) : فرمودند: « و المقصر في حقكم زاهق » ۶۲۷

- ۶۲۸ قوله (ع) : فرمودند: « والحق معكم و فيكم و منكم و اليكم و انتم اهله و معدنه »
- ۶۳۰ قوله (ع) : فرمودند: « و ميراث النبوة عندكم »
- ۶۳۲ قوله (ع) : فرمودند: « و اياك الخلق اليكم و حسابهم عليكم »
- ۶۳۶ قوله (ع) : فرمودند: « و فضل الخطاب عندكم و آيات الله لديكم و عزائمهم فيكم و نوره »
- ۶۳۷ قوله (ع) : فرمودند: « و آيات الله لديكم »
- ۶۳۸ قوله (ع) : فرمودند: « و عزائمهم فيكم »
- ۶۳۸ قوله (ع) : فرمودند: « و نوره »
- ۶۳۸ قوله (ع) : فرمودند: « و برهانه عندكم »
- ۶۳۹ قوله (ع) : فرمودند: « و امره اليكم »
- ۶۵۵ قوله (ع) : فرمودند: « من والى الله فقد والى الله الى قوله من اتيكم نجى و من لم ياتكم هلك »
- ۶۵۶ قوله (ع) : فرمودند: « و من اعادى الله »
- ۶۵۷ قوله (ع) : فرمودند: « و من احبكم فقد احب الله و من ابغضكم فقد ابغض الله »
- ۶۵۷ قوله (ع) : فرمودند: « و من اعتصم بكم فقد اعتصم بالله »
- ۶۵۸ قوله (ع) : فرمودند: « انتم السبيل الاعظم و اضراط القوم »
- ۶۶۱ قوله (ع) : فرمودند: « و شهداء دارالفناء و شفعاء داربقاء »
- ۶۶۸ قوله (ع) : فرمودند: « و الرحمة الموصولة »
- ۶۷۲ قوله (ع) : فرمودند: « و الآية المخزونة »
- ۶۷۴ قوله (ع) : فرمودند: « و الامانة المحفوظة »
- ۶۷۷ قوله (ع) : فرمودند: « و الباب المبتلى به الناس »
- ۶۸۲ قوله (ع) : فرمودند: « من اتيكم نجى و من لم ياتكم هلك »
- قوله (ع) : فرمودند: « الى الله تدعون و عليه تدلون و به تؤمنون و له تسلمون و بامرهم تعملون و الى سبيله ترشدون و بقوله تحكمون سعد من والاكم الى قوله و من رد عليكم فى اسفل درك الجحيم »
- ۶۸۸ قوله (ع) : فرمودند: « و به تؤمنون و له تسلمون »
- ۶۸۸ قوله (ع) : فرمودند: « و بامرهم تعملون »
- ۶۸۸ قوله (ع) : فرمودند: « و الى سبيله ترشدون »
- ۶۸۹ قوله (ع) : فرمودند: « و بقوله تحكمون »

- قوله (ع) : فرمودند: « سعد من والاکم و هلك من عاداکم » ۶۸۹
- قوله (ع) : فرمودند: « و خاب من جحدکم » ۷۰۰
- قوله (ع) : فرمودند: « و ضل من فارقکم » ۷۰۰
- قوله (ع) : فرمودند: « و فاز من تمسک بکم » ۷۰۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و أمن من لجأ الیکم » ۷۰۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و سلم من صدقکم » ۷۰۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و هدی من اعتصم بکم » ۷۰۱
- قوله (ع) : فرمودند: « من اتبعکم فالجنة ماواه و من خالفکم فالنار منواه » ۷۰۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و من جحدکم کافر و من حاربکم مشرک و من رد علیکم فی اسفل درک من الجحیم » ۷۰۴
- قوله (ع) : فرمودند: « اشهد ان هذا سابق لکم فیما مضی و جار لکم فیما بقی » ۷۰۷
- ولایت پیامبر و امیرالمؤمنین و امامان اهل بیت علیهم السلام بر تمامی موجودات عالم عرضه گردید و همه این حوادث در عالم ذر بود است ۷۱۷
- قوله (ع) : فرمودند: « و ان ارواحکم ، نورکم ، طینتکم واحدة طابت و ۷۱۹
- «از اشعار منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام» ۷۲۲
- قلیس دوم: « حقیقت امامان اهل بیت همگی رسول حکمی احد دارند ولی در عرض آنان را حکمی دیگر است » ۷۲۳
- قلیس سوم: ارواح مخصوص ائمه یا روح القدس ۷۲۵
- قوله (ع) : فرمودند: « طابت » ۷۳۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و طهرت » ۷۳۴
- قوله (ع) : فرمودند: « بعضها من بعض » ۷۳۵
- قوله (ع) : فرمودند: « خلقکم الله انوراً فجعلکم بعرضه محدقین » ۷۴۰
- تفاوت نور ما با نور پروردگاران همانند شعاع خورشید از خورشید بود ۷۴۱
- قوله (ع) : فرمودند: « فجعلکم فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ » ۷۵۰
- قوله (ع) : فرمودند: « اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ » ۷۵۱
- قوله (ع) : فرمودند: « و جعل صلواتنا علیکم و ماخصنا به من ولایتکم طیباً ۷۵۲
- قوله (ع) : فرمودند: « و کفارة لذنوبنا » ۷۵۵

- قوله (ع) : فرمودند: « فكننا عنده مسلمين بفضلکم » ۷۵۷
- قوله (ع) : فرمودند: « و معروفین بتصدیقنا ایاکم » ۷۵۸
- قوله (ع) : فرمودند: « قبلع الله بکم اشرف محل المکرمین و اعلى منازل المقریین و ارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقه لاحق و لا یفوقه فانق و لا یسبقه سابق » ۷۶۰
- قوله (ع) : فرمودند: « لا یطمع فی ادراکه طامع حتی لا یبقی ملک مقرب ولا بنی مرسل » ۷۶۳
- قوله (ع) : فرمودند: « الا عرفهم » ۷۶۹
- قوله (ع) : فرمودند: « جلالة امرکم » ۷۷۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و عظم خطرکم » ۷۷۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و کبر شأنکم » ۷۷۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و تمام دورکم » ۷۷۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و صفا مفاصلکم » ۷۷۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و ثبات مقامکم » ۷۷۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و شرف محلکم و منزلتکم » ۷۷۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و کرامتکم علیه » ۷۷۴
- قوله (ع) : فرمودند: « و خاصتکم لدیه » ۷۷۵
- قوله (ع) : فرمودند: « و قربت منزلتکم منه » ۷۷۸
- قوله (ع) : فرمودند: « بابی انتم و امی و اهلی و مالی و اسرتی » ۷۸۱
- قوله (ع) : فرمودند: « اشهدالله و اشهدکم انی مؤمن بکم و بما آمنتم به کافر به و کفرتم به » ۷۸۴
- قوله (ع) : فرمودند: « مستبصر بشأنکم و بضلالة من خالفکم » ۷۸۵
- قوله (ع) : فرمودند: « موالٍ لکم و لا ولیانکم » ۷۸۶
- قوله (ع) : فرمودند: « میغض لاعدانکم و معاد لهم » ۷۸۶
- قوله (ع) : فرمودند: « سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم » ۷۸۷
- قوله (ع) : فرمودند: « محقق لما حَقَّقْتُمْ » ۷۸۷
- قوله (ع) : فرمودند: « مبطل لما ابطالتم » ۷۸۸
- قوله (ع) : فرمودند: « مطیع لکم » ۷۸۸
- قوله (ع) : فرمودند: « عارف بحقکم » ۷۸۹

- قوله (ع): فرمودند: «مقصر بفضلکم» ۸۰۵
- قوله (ع): فرمودند: «محتمل لعلکم محتجب بذمتکم معترف بکم» ۸۰۶
- قوله (ع): فرمودند: «مؤمن با یا بکم مصدق بر جعتکم» ۸۰۷
- رجعت و دلائل آن از کتاب و سنت ۸۰۸
- مقامات علمی امیرالمؤمنین و علم غامض آن حضرت چه بوده است؟ ۸۳۷
- آیاتی که معنای باطنی آنها مردن مؤمن است چه با مرگ طبیعی یا با کشته شدن ۸۳۹
- «تنبيهات» ۸۵۹
- قوله (ع): فرمودند: «منتظر لامرکم مرتقب لدولتکم» ۸۶۷
- قوله (ع): فرمودند: «اخذ بقولکم» ۸۶۹
- قوله (ع): فرمودند: «عامل بامرکم» ۸۷۰
- قوله (ع): فرمودند: «مسجیر بکم» ۸۷۰
- قوله (ع): فرمودند: «زائر بکم» ۸۷۱
- قوله (ع): فرمودند: «عائذ بکم» ۸۷۲
- قوله (ع): فرمودند: «لائذ بقبورکم» ۸۷۲
- قوله (ع): فرمودند: «مستشفع الی الله عزوجل بکم» ۸۷۳
- قوله (ع): فرمودند: «ومتقرب بکم الیه» ۸۷۸
- قوله (ع): فرمودند: «وَمَقْدِمُكُمْ امام طلبتی و حوائجی و ارداتی بی کمال احوالی و اموری» ۸۷۹
- قوله (ع): فرمودند: «مؤمن بسرکم و علانیتکم و شاهدکم و غائبکم و واکم و آخرکم» ۸۸۱
- قوله (ع): فرمودند: «و مفوض فی ذلک کله الیکم» ۸۸۳
- قوله (ع): فرمودند: «و مسلم فیہ معکم و قلبی لکم مسلم و رأیی لکم تبع و نذری لکم معده» ۸۸۵
- قوله (ع): فرمودند: «و یردکم فی آیاته» ۸۸۹
- قوله (ع): فرمودند: «و ینظرکم لعدله» ۸۹۱
- قوله (ع): فرمودند: «و یمکنکم فی ارضه» ۸۹۱
- قوله (ع): فرمودند: «فمعکم معکم لامع عدوکم امنت بکم و تولیت آخرکم بما تولیت به اولکم» ۸۹۲
- قوله (ع): فرمودند: «و برئت الی الله عزوجل من اعدائکم و من الجبت و الطاغوت» ۸۹۳
- قوله (ع): فرمودند: «و من کل ولیجه دونکم» ۸۹۷

- قوله (ع): فرمودند: «و كل مطاع سواكم» ۸۹۸
- قوله (ع): فرمودند: «و من الائمة الذين يدعون الى النار» ۸۹۸
- قوله (ع): فرمودند: «فتبني الله ابدأ ما حيت على موالاكم و محبتكم و وفقني لطاعتكم» ۸۹۹
- قوله (ع): فرمودند: «و وفقني لطاعتكم» ۹۰۲
- قوله (ع): فرمودند: «و رزقني شفاعتكم» ۹۰۵
- شفاعت آنها به او می رسد و دیگران از این شفاعت نصیبی ندارند ۹۱۱
- قوله (ع): فرمودند: «و جعلني من خيار موالیکم التابعين لما دعوتهم اليه» ۹۱۶
- قوله (ع): فرمودند: «و جعلني ممن يقتص آثاركم» ۹۱۶
- قوله (ع): فرمودند: «و انا انا سليلكم» ۹۱۷
- قوله (ع): فرمودند: «و يهتدي بهديكم» ۹۱۸
- قوله (ع): فرمودند: «و يحشون في زمركم» ۹۱۸
- قوله (ع): فرمودند: «و يكرفي ريعكم» ۹۱۸
- قوله (ع): فرمودند: «و يملك في دولتك» ۹۱۸
- قوله (ع): فرمودند: «و يشرف في عافيتكم» ۹۱۹
- قوله (ع): فرمودند: «و يمكن في ايامكم» ۹۱۹
- قوله (ع): فرمودند: «و تقر عنه غداً برويتكم» ۹۱۹
- قوله (ع): فرمودند: «ياي اتم و امي و نفسي و اهلي و مالي و راد الله بدأبكم و من وحده قبل عنكم و من قصده توجه بكم» ۹۱۹
- قوله (ع): فرمودند: «موال لا احصى ثنائكم» ۹۳۴
- قوله (ع): فرمودند: «و لا ابلغ من المدح كنهكم» ۹۳۵
- قوله (ع): فرمودند: «و من الوصف قدرکم» ۹۳۵
- قوله (ع): فرمودند: «و اتم نور الاخيار و هداة الابرار و حجج الجبار» ۹۳۵
- مراتب شبیه طینت ۹۳۷
- قوله (ع): فرمودند: «بکم فتح الله و بکم یختم» ۹۳۷
- قوله (ع): فرمودند: «و بکم ينزل الغيث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و بکم یكشف الضر و عندکم ما نزلت به رسله و هبطت به ملائکته» ۹۳۸

- ۹۳۹..... قوله (ع): فرمودند: «و الى جدكم (ص) بعث الروح الامين»
- ۹۴۱..... قوله (ع): فرمودند: «آناكم الله مالهم يوت احد من العالمين»
- ۹۴۱..... قوله (ع): فرمودند: «طاطا كل شريف اشرفكم»
- ۹۴۲..... قوله (ع): فرمودند: «و يخع كل متكبر لطاعتكم»
- ۹۴۲..... قوله (ع): فرمودند: «و خضع كل جبار لفضلكم»
- ۹۴۳..... قوله (ع): فرمودند: «و اشرقت الارض بنوركم»
- ۹۴۶..... قوله (ع): فرمودند: «و فاز الفائزون بولايتكم»
- ۹۵۱..... قوله (ع): فرمودند: «بكم يسلك الى الرضوان»
- ۹۵۳..... قوله (ع): فرمودند: «على من جحد ولايتكم غضب الرحمن»
- قوله (ع): فرمودند: «بابي انتم و امي و نفسي و اهل و مالي ذكرکم فی الذاکرين و اسمائکم فی الاسماء و اجسادکم فی الاجساد و ارواحکم فی الارواح و انفسکم فی النفوس و آثارکم فی الآثار و قبورکم فی القبور» ۹۵۵
- جذوة سوم (شعله سوم): «انه اهل بيت فرق های زیادی بلکه امتيازات.....» ۹۵۸
- قوله (ع): فرمودند: «فما احسن اسمائکم» ۹۶۱
- قوله (ع): فرمودند: «و اکرم انفسکم» ۹۶۴
- قوله (ع): فرمودند: «و اعظم شأنکم و ابل حالکم» ۹۶۵
- قوله (ع): فرمودند: «و اوفی عهدکم» ۹۶۶
- قوله (ع): فرمودند: «و اصدق وعدکم» ۹۶۷
- قوله (ع): فرمودند: «کلامکم نور و امرکم رشد» ۹۶۹
- قوله (ع): فرمودند: «و وصيتکم التقوى» ۹۷۰
- قوله (ع): فرمودند: «و فعلکم الخير» ۹۷۰
- قوله (ع): فرمودند: «و عادتکم الاحسان» ۹۷۱
- قوله (ع): فرمودند: «و سجيتمکم الکرم» ۹۷۱
- قوله (ع): فرمودند: «و شأنکم الحق والصدق والرفق» ۹۷۲
- قوله (ع): فرمودند: «و قولکم حکم و حتم» ۹۷۳
- قوله (ع): فرمودند: «و رایکم علم و حلم و حزم» ۹۷۳
- قوله (ع): فرمودند: «ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و مأواه و منتهاه» ۹۷۴

- قوله (ع) : فرمودند: « بابی ائتم و امی و نفسی و کیف اصف حسن ثنائکم و احصى جميل بلانکم »..... ۹۷۷
- قوله (ع) : فرمودند: « و بکم اخرجنا الله من الذل و فرج عنا غمرات الكرب »..... ۹۷۸
- قوله (ع) : فرمودند: « و انقذنا من شفا جرف من الهلکات و من النار »..... ۹۸۰
- قوله (ع) : فرمودند: « بابی ائتم و امی و نفسی بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا »..... ۹۸۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و بموالاتکم تمت الكلمة و عظمت النعمة و اثلثت الفرقه و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة »..... ۹۸۶
- قوله (ع) : فرمودند: « و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة »..... ۱۰۰۹
- قوله (ع) : فرمودند: « و لکم المودة الواجبه »..... ۱۰۱۵
- قوله (ع) : فرمودند: « والدرجات الرفیعه والمقام المحمود و المقام..... ۱۰۱۹
- قوله (ع) : فرمودند: « ربنا آما بما انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدين »..... ۱۰۲۶
- قوله (ع) : فرمودند: « ربنا لا یخجلنا و ربنا لا یخذلنا »..... ۱۰۲۸
- قوله (ع) : فرمودند: « و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب »..... ۱۰۲۹
- قوله (ع) : فرمودند: « سبحان رب ان کار وعد ربنا لمفعولاً »..... ۱۰۳۱
- قوله (ع) : فرمودند: « یا ولی الله ان بینى و بینک روحان ذنوباً لا یتى علیها الا رضاکم »..... ۱۰۳۲
- قوله (ع) : فرمودند: « فبحق من اتعنکم علی سب و استرعاکم امر خلقه »..... ۱۰۳۳
- قوله (ع) : فرمودند: « و قرن طاعتکم بطاعته »..... ۱۰۳۵
- قوله (ع) : فرمودند: « لما استوهبتم ذنوبى »..... ۱۰۳۶
- قوله (ع) : فرمودند: « فانی مطیع لکم من اطاعکم فقد اطاع الله و من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم فقد ابغض الله »..... ۱۰۳۶
- قوله (ع) : فرمودند: « اللهم انى لو وجدت شفعاء اقرب الیک من محمد..... ۱۰۳۶
- قوله (ع) : فرمودند: « استلک ان تدخلنى فى جملة العارفين بهم و بحقهم و فى زمرة المرحومين بشفاعتهم انک ارحم الراحمين و صلى الله على محمد و آله و سلم كثيراً و حسينا الله و نعم الوکیل »..... ۱۰۴۰
- قوله (ع) : فرمودند: « فاذا اردت الانصراف »..... ۱۰۴۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

شرح حال مختصری از مؤلف رحمه الله قدس سره

حمد و ستایش از آن خدایی است که صاحب همه نعمت‌ها است و صلوات و درود خدا بر سرور و بزرگمان خاتم پیامبران محمد و آل او و سلم، زیرا که همان‌ها هستند که پایه‌ها و اصول کرم و پیشوایان امت‌اند.

و بعد: صفات ستوده و فضائل آن محققاً در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یکجا گرد آمده است. زیرا که آنان مظاهر صفات خدای عزوجل و خلفای او در خلق و لیا و ی بر روی زمین‌اند و عناصر نیکان و دعائم اخباراند. همان‌هایی که خداوند آنان را از آلودگی و پلیدی تطهیر و از هر لغزشی هماره محافظت فرمود و تردیدی نیست در این که معرفت آن به نورانیت، از افضل معارف حقه و از زیباترین علوم عالی‌ه الهی است؛ به گونه‌ای که معرفت آنان، به حقیقت معرفت، ملازم معرفت خدا است و آن که خدای را شناخته باشد همه چیز را شناخته است. با این که احادیث فراوانی در معرفی درجات قرب آنان به حضرت حق موجود است که به مقامات روحانی آنان اشاره دارد.

معهدا کامل ترین مجموعه ای که از منازل و مراتب معنویشان پرده برمی دارد و بلندترین و رساترین بیانی که به بلوغ فکری انسان ها کمک می کند تا به سر منزل معرفت نورانیت ایشان هدایت شوند، همین زیارت جامعه معتبری است که از معصوم روایت شده و در بیان جامعیت و کمال بلاغتش همین معنا تو را کفایت می کند که در این مورد روایاتی هم از اهل عصمت در صحت انتساب و وثاقت زیارت جامعه رسیده است.

در بخش: مزار تهذیب و فقیه و باب ۷۲ از عیون نقل شده است که: موسی بن عبدالله نخعی به امام علم بن محمد بن علی الرضا (علیه السلام) یعنی امام هادی علیه السلام گفت: به من گفتار بانی و کامل بلیغی را تعلیم فرما که هرگاه به زیارت هر یک از شما امامان اهل بیت نائل شدم، آن را بخوانم.

و چه نیکو فرموده است علامه مجلسی (در کتاب مزار بحار الانوار) بعد از این که این زیارت جامعه را نقل می کند و مشتمل لغات آن را تشریح می کند تا حدودی در شرح زیارت جامعه بسط کلام می دهد، با این که شرح آن مردم منتظر و ناکافی است و از ترس اطاله کلام موفق به اداء حق مطلب در این باب نشده است. معهدا به خاطر این که زیارت جامعه از حیث سند صحیح ترین زیارات و از جهت مورد عام ترین آنها و از جهت لفظ و معنا فصیح ترین و از حیث شأن و جایگاه بالاترین شأن و جایگاه را در میان زیارات دارد.

پیدا است که فضلا و اهل تحقیق در شرح این زیارت شریفه جامعه روحی فراوان نگاشته اند اعم از شروح مختصر و مفصل که معضلات حقائق متن زیارت را توضیح داده، از غرر ذرر معانی آن پرده برداری می کند تا معارف بلند آن را به افهام نزدیک و اسرار پیچیده و باریع، نوظهور آن را برای همگان روشن و تبیین نمایند و از جمله این شرح ها بلکه اجلی و بلندترین شرح زیارت جامعه همین شرح رفیع القدر و بلند و تألیف لطیف سید سند، حجة قدوه و پیشوای ارباب علم و معرفت، و زبده اهل کمال و فضل و مذاقه، علامه محقق ربانی مولینا سیدحسین همدانی مشهور به درودآبادی (قدس سره الشریف) می باشد، زیرا علامه درودآبادی رضوان الله تعالی علیه در این مقام جد و جهد و کوشش بسیار کرد و رسید به جایگاه بلند و منزلت رفیعی دست یافت که دیگران بدان نرسیده اند.

و ما شرح مختصری از زندگی مؤلف علامه را در مقدمه کتاب شریف ایشان به نام

«شرح اسماء حسنی» که سه سال پیش در تهران به چاپ رسید، ذکر کردیم؛ و در اینجا نیز اجمالی از آنچه که در آنجا آوردیم به اضافه آن مقداری که در آنجا از ما فوت شده بود، در این مقام بازگو می‌کنیم؛ لذا می‌گوییم:

زیست‌نامه مؤلف علامه

نام مبارک او سیدحسین فرزند: سیدجلیل، سیدتقی همدانی درودآبادی است که در سال ۱۲۸۰ هجری نبوی (ص) چشم به جهان گشود. وی پس از انجام و تحصیل علوم رسمی از ادبیات عرب و علوم معقول و مقول که متعارف آن زمان و در زادگاهش مقدور می‌بود به مشهد غره علوی (ع) نجف اشرف رهساز گردید و در محضر اساتید زمان خود تلمذ اختیار نمود و از آن جمله محضر درس عالم زاهد عرف گناه اوین خود مولی آخوند ملاحسینقلی همدانی نجفی رضوان‌الله علیه که در سال ۱۳۱۱ در حائر شریف وفات یافت را ادراک کرد. سپس به موطن و زادگاهش همدان بازگشت و در آنجا به تألیف و تدوین آثارش بپردازید.

آن مرحوم بیشتر اوقات خود را به تالیف عبادت و دعوت به حق و طرد و دفع باطل و یاری و نصرت راه و روش اجداد صابین و مصلحتش صرف نمود تا این که در سال ۱۳۴۳ که ۶۳ سال از عمر شریفش گذشته بود در همان شهر وفات یافت و در قبرستان معروف به: «اهل القبور» دفن گردید.

علامه درودآبادی (قدس سره) دارای تألیفات متعدد و بلند بهای است که از جمله آنها است:

۱- شرح الاسماء الحسنی که در سال ۱۳۷۵ هجری در مشهد، رضوان‌الله علیه الشانی در تهران، کتابخانه حسن علمی به چاپ رسید. این کتاب علمی سودمند دقیقی است که در سال ۱۳۲۹ هجری از تألیف آن فراغت یافت.

۲- الدرا المنضود فی اجوبة مسائل اليهود، این کتاب نیز در ۵۶ صفحه در سال ۱۳۴۴ در تهران به چاپ رسید که در پاسخ پنج سؤالی که عده‌ای یهودی در توحید و حقیقت اسلام از وی پرسش نموده بودند به زبان فارسی تألیف نمود. در سال ۱۳۴۲ مخفی‌نماد که ظاهر آنچه که در این کتاب

از تألیفات آن بزرگوار نوشته که به چاپ رسیده، همین است که مؤلف علامه در زمان چاپ این کتاب زنده بوده است و این مخالف آن چیزی است که فرزند معظم مؤلف بزرگوار برای ما فرمودند که فوت علامه در سال ۱۳۴۳ بوده است، و خدا دانا است.

۳- و از آن جمله است تفسیر قرآن کریم این تفسیر را از روی نوشته‌ای که در پشت نسخه آن نوشته شده است در سال ۱۳۲۸ هجری شروع نموده و از برای آن چهارده مقدمه علمی تحقیقی مفید نوشته و بعد از مقدمه سیزدهم می‌گوید مقدمه چهاردهم در شمول خطابات کتاب عزیز به معدومین و غائبین می‌باشد به این معنی که خطاب‌های قرآن هم غائبین را شامل می‌شود و هم معدومین را و می‌افزاید که این مقدمه چهاردهم و مقدمه یازدهم را، دو رساله منفرد و جداگانه قرار دادم و رساله نخستین را به «شرح الاسماء الحسنى» و دومین رساله را به «لب‌الالباب فی شرح خطابات الکتاب» نام نهادم و بعد از آیه ۲۰۲ در آخر جزء اول (والله سریع الحساب) چنین می‌گوید: از تصنیف آن در روز شنبه چهاردهم از ماه رجب‌الاصف در سال ۱۳۳۳ فارغ شده‌ام. سپس شروع می‌کند در جزء دوم که اولین آیه آن از: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي آيَاتِهِ مَقَامَاتٍ» است، از این جزء ۲۵ صفحه را نوشته و آخر آن می‌رسد به آیه «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَلَدِهَا» و مجموع کتاب در ۳۱۰ صفحه نوشته شد که تفسیری است تحلیلی تحقیقی که در باب خود بسیار نیکو و سودمند است.

۴- و از آن جمله است رساله «لب‌الالباب» در خطابات کتاب و در آخر آن می‌گوید: ما حقیقت قرآن را در کتاب «تحفة الرضویة الی الشیعة، امرت علی» توضیح دادیم و در مقدمات کتابمان «الکبریت الاحمر فی تفسیر الثقل الاکبر» بیان کردیم این بود تمام آنچه که ما قصد بیان آن را داشتیم و خدای را حمد و سپاس می‌گوییم که این رساله هم در سال ۱۳۳۵ هجری در هشتاد صفحه پایان پذیرفت.

۵- و از آن جمله است رساله: «نسک التلویت فی جواب اهل التثلیث» در ۲۱ صفحه فارسی که تألیف آن در ماه شعبان‌المعظم سال ۱۳۳۳ هجری پایان یافت.

۶- دیگر از کتاب‌های علامه بزرگوار: «عصارة الثقلین فی حقیقة النشأتین» است که شرح خطبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام با تحقیق و تفصیل در ۱۰۶ صفحه می‌باشد و در آخر آن این جمله نوشته

شد: «فعليه بكتاب السماء والعالم من البحار» یعنی خواننده را به کتاب سماء والعالم بحار علامه مجلسی ارجاع فرمود. از تصنیف این کتاب هم در سال ۱۳۲۲ هجری فراغت یافت.

۷- دیگر از تألیفات علامه: «التحفة الرضویه الى الشيعة المرتضویه» در ۹۲ صفحه است که در پایان آن آمده است: از نوشتن این رساله در شب پانزدهم از ماه ذی القعدة سال ۱۳۲۱ هجری فراغت حاصل شد.

۸- دیگر از تألیفات آن بزرگ مرد «القسطاس المستقیم» است که مرتب است بر یک مقدمه و چهارده قسطه (ترازو) و یک خاتمه هم به فارسی دارد. در تحقیق مذهب حق از وحدة وجود در ۸۴ صفحه و در صحنه ۷۰ می گوید: و تفصیل مراتب نبوت و رسالت و خُلت و امامت را در کتب شمس طالعه من مشارق البارة الجامعة و جمال الوافدين و کبریت احمر در تفسیر ثقل اکبر و ملخص اصول در دین ال رسول و غیر آن بیان نموده‌ام و در اول کتاب بعد از حمد و صلوة می گوید: چون در این زمان که مردم از هر طایفه و اهل هر ملتی که هستند مختلف شده که یا واقف در مرتبه تفریط اند و یا بطوری سلب که سلب می نمایند که از حق آنسو افتاده اند، لازم دانسته رساله ای در تحقیق وحدت حق بنویسم که مدینه بین از افراط و تفریط بعدل و تقسیط برگردند... الخ و او کتاب خوبی است در باب خود در ۴۰ صفحه.

۹- دیگر از آنها ملخص الاصول فی دین آل الرسول که رساله ای است به زبان فارسی در تحقیق اصول دین و مذهب در ۲۱۰ صفحه می باشد. اول این رساله این است: سیاس آفریدگاری را سزا است که بدایت و آغاز آفریدن هر کسی را از جایی نموده که در آنجا از چیزی ذکر نتوان نمود که به آغاز خویش آیتی برای شناختن آفریدگار خود داشته باشد... الخ و از تألیف آن در سال ۱۳۴۳ هجری فراغت حاصل کرد و در آن رساله به تألیف التحفة الرضویه و شرح زیارات که انهم کتاب تحقیقی سودمندی است، اشاره نموده است.

۱۰- دیگر از آثار آن مرحوم: «تنبيه الراقدین و جمال الوافدين» که بر یک مقدمه و هفت جمال و خاتمه ترتیب یافت. مقدمه در بیان نسبت آدم و اولاد او جمال اول در نسبت بدن آدم با روحش و جمال دوم در معنای عبودیت و جمال سوم در این که لامحاله سائرین الی الله باید به هنگام صبح خود

را به زینت عبادت بیارایند و جمال چهارم در مقدمات نماز است... الخ. و همان طوری که خود در صفحات ۲۷۶ و ۳۰۹ این کتاب یادآوری کرده، تألیف این کتاب بعد از: «قسّاس المستقیم و عصارة الثقلین» بوده است، ولی در شب عید غدیر سال ۱۳۲۷ هجری تألیف آن پایان یافت. با این که مؤلف محترم خود در عصارة الثقلین نیز تصریح کرده که تفصیل آن در جمال الوافدین مذکور گردید و ممکن است جمع این دو کلام کرد بر این که: این دو تألیف درهم متداخل بوده‌اند (یعنی در یک زمان هر دو آنها تألیف گردیده‌اند) چنانچه قرائن دیگری نیز در این مورد وجود دارد و در مقدمه کتاب می‌گوید: چون دوستی از دوستان که بختش یار و از ایل جلیل بختیاری‌ها بود و لطف علی توأمش و به این جهت، مش لطفعلی نامش نهاده بود از این بی‌مقدار درخواست نمود که این بی‌دانش از آنچه داند به گنجایش فمّ سن به کمک تحریر آورد و... الخ.

و برای مؤلف رضوان الله به آثار دیگری به خط شریفش می‌باشد و همه آنها در نزد فرزند محترمش حاج سید ابی الفضل رفیعی ساکن تهران موجود است و اشعاری هم از آن مرحوم (قدس سره) دیده‌ام که به خط شریف خود در جریده ریشه بود که از جمله آنها این شعر بود:

دل ما خون شد ای صنم ز فراق،	ای خوشایکدمت بیمنم طاق
تشنه‌ای کو بعمر آب ندید	کو گردیدم اینچنین مشتاق
از فراق تو ای بست رعنا	شدیم من حنظل آیدم به مذاق
زهر هجران اثر نموده به دل	غیر است ز ناشدش تریاق
دین و دل بردی از کفم ز جفا	روزهایم ز جوارح کفایت مجاق
کاش آن زلف عنبرینت را	که سحاب اسد برمه آفاق
برفکندی ز چهر گلگونست	که بیایید معشر العشاق
وقت هجران گذشت و وصل رسید	نبریدم کمان مگر اشفاق
با شما عهد دوستی بستم	مر مرا محکم است این میثاق

شیخ بزرگوار ما علامه طهرانی در کتاب «الذریعة» ج ۴، صفحه ۴۴۲ چنین می‌گوید: تنبیه‌الراقدین و جمال‌الوافدین در اخلاق و بعض آداب متعلقه به نماز از مقدمات و مقارنات و تعقینات تألیف شد؛ در یک مقدمه و هفت جمال و یک خاتمه از سیدحسین بن سیدمحمدتقی همدانی نجفی متوفای در تهران در حدود سال ۱۳۳۰ می‌باشد.

نامبرده از شاگردان آیةالله مجتهد شیرازی چند سالی در سامرا بوده و در نجف با خواهر سیدنا محدث دانشمند سیدمحمدعلی‌الشاه عبدالعظیمی ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی فاضل به نام سیدفخرالدین گردید و من نسخه‌ای به خط خودش دیدم که ابتداء آن چنین است (سپاس آفریدگاری را سزا است)، و او دارای شرح زیارت جامعه‌ای به فارسی می‌باشد؛ و بیاید دانست که این سیدمحمدعلی همان سیدمحدث جلیل ابن الحاج سیدمحمد‌الشاه عبدالعظیمی مؤلف کتاب: ایقادی وفیات المعصومین و کتاب: الاوقات فی اربعین حدیثا می‌باشد که هر دو آنها به چاپ رسیده است و مؤلف کتاب رجال همان است که در الذریعة نیز آورده (ج ۱۰، ص ۱۳۷) آنجا که می‌گوید: رجال سید محمدعلی‌الشاه عبدالعظیمی ابن مازنا محمد مشهور به میرزا جان متولی عبدالعظیم همان سیدمشایخ ما می‌باشد که در سال ۱۳۳۴ در نجف وفات یافت. او دارای منتخب‌الرجالی است که به چاپ رسیده که در آن اصول اربعه رجالیه؛ رجال شیخ و هرست آن و نجاشی منتخب وی بوده است.

و مخفی نماند آنچه که در کلام شیخنا علامه به خدا رو: زهای بهره‌مندی از وی را طولانی فرماید) قصوری واقع شده از جهاتی بوده و شاید که وی را تری به کسی که اطلاعی از موضوع نداشته اعتماد کرده یا آنچه که به قلبش ظهور یافته همان را انبیا و انسان هم محل نسیان است و جای شگفتی ندارد. آن‌گاه همین موارد را در آخر جلد دهم از ذریعة (در جدول استدراکات) استدراک کرده که گفتارش چنین است: درودآبادی متوفای در همدان در سال ۱۳۱۰ بوده و در همانجا در مقبره‌اش دفن گردید و فرزند او: ابوالفضل عارفی است و شرح زیارتش هم عربی است که نام آن: الشمس الطالعه است، پایان نقل صاحب‌الذریعة.

و شاید هم این استدراک بعد از انتشار کتاب: شرح‌الاسماء بحصول پیوست به جهت این‌که این کتاب شرح‌الاسماء حاوی مقدمه‌ای در شرح زندگانی مؤلف و تفصیل تألیفات آن بزرگوار است؛ چه این‌که جزء دهم از: الذریعة پس از هشت ماه از تاریخ چاپ این

کتاب انتشار یافت و چند تنبیه و آگاهانیدن باقی می‌ماند. یکی از آن تنبیهات این است که فرزند او حاج سید ابوالفضل عارفی (دام توفیق) از تجار محترمی است که الآن ساکن تهران است و این که سید فخرالدین پسر خاله او بوده است. دوم این که پدر علامه سید محمدعلی به نام حاج سید محمد از خدام المحترمین و معظم مشهد سید و مولای ما عبدالعظیم بوده که از آنجا به نجف اشرف با فرزند مکرمش انتقال یافت و فرزندش در آنجا به تحصیل اشتغال یافت تا رسید به جایی که رسید. و سوم این که تعیین سن وفاتش (۱۳۴۴) گذار ما را در ذیل کتاب: الدر المنضود تأیید می‌کند. و اما آنچه که مقطوع و مسلم است این است که وفات علامه در اواخر سال ۱۳۴۳ یا در اوائل سال ۱۳۴۴ بوده است. اعلی الله مقامه و معین قدر کفایت می‌کند و از خدا مسئلت داریم بدانچه که خود دوست می‌دارد و بدان را حق می‌داند. ما توفیق عنایت کند، زیرا او بهترین توفیق‌دهنده و معین است و ما را غیر از حق تعالی شایسته بار و معینی نیست.

رمضان، مبارک ۱۳۷۸ - هجری

حسن مصطفائی